

نظری بر اشعار روشن از دید اخلاق ستوده

*اقبال حسام

اول نومبر ۲۰۲۲

چکیده

منظور از اخلاق ستوده همان اعتقادات خریدپسند و اندیشه های سازنده و روشنگری است که رهروان راه حق با رهروی بر فضای معنوی این راه، مکارم اخلاق می پرورند.

شعر و ادبیات و فارسی دری در طول سالیان متمادی رهنوشه های اخلاقی و عمل صالح را در اختیار خواننده گان قرار داده که از طریق آنها به مقام کمال انسانی و بهره ورزی رسیده اند و با فروغ های معنوی خویش جان و دل هنردوستان را روشنی بخشیده است.

با نظر کوتاه به محتوای شعر روشن آشکار می شود که در سرزمین گفتارش؛ اندیشه پاک و مقدسی کاشته شده که از بوی عطر آن ناشایستی ها و رزایل جای خویش را به نیکویی ها و سجای حمیده خالی کرده اند. خداپرستی، انسان دوستی، آزاده گی، عدالت خواهی، بخشندگی، آرمان های بشری... از موضوعات ستوده کلام روشن اند.

واژه های کلیدی: روشن، داغ لاله، شعر، اخلاق.

مقدمه

اخلاق و توصیف و تعریف آن از جمله مسایل پیچیده ای است که در طول ادوار مختلف بنابر برداشت های متنوع از این پدیده دست خوش برداشت های فکری متفکران و اندیشمندان قرار گرفته و از آن تعاریف متعددی شده است. از دید ماهیت اخلاق وابسته به فلسفه بوده و در آن رفتار انسان را با موازین سنجیده شده بررسی می کردند، تا دچار لغزش و اشتباهی نشود. تعریفی که از اخلاق شده آن را دانش صفات مهلکه و منجیه و چگونگی موصوف شدن و متخلق گردیدن به صفات نجات بخش و رها شدن از صفات هلاک کننده دانسته اند (مدرسی، ۱۳۸۸: ۱۷). اما فراموش نشود که دانش دیگری تحت نام اخلاقیات مطرح است که وظیفه آن مطالعه امور اخلاقی است تا رفتار و کردار افراد جامعه را در زمان و مکان متفاوت بررسی کند. روی این اصل آنچه در ادبیات بیشتر تداخل می کند بحث اخلاقیات است نه اخلاق در مفهوم و محتوای فلسفی آن است.

ادبیات انسان ها را دعوت میکند که همواره در بعد وجود خود تغییرات را وارد کنند؛ یعنی خود شناسی داشته باشند تا هر لحظه از نو ساخته شوند. از این منظر ادبیات آشکارانه انسان را به سوی اخلاق دعوت می کند تا یک انسان اخلاقی را تربیت کند که بتواند خود ارزش های اخلاقی را در نهاد خود بیافریند، از دید ادبیات انسان ها مسوول شناخت ارزش های اخلاقی متناسب با وضعیت جامعه خود اند تا از آن طریق پاسخ گوی کلیه روی داد های خوب و زشت باشند. روی این مدعا شعرا و نویسندگان چیزی را بیافریند که محکوم تاریخ نگردند. چون آنها با استفاده از هنرمندی و تصویر خیال حتی چیزی که نیست و باید باشد را پیش روی خوانند قرار بدهند و او را به سوی اخلاق ستوده دعوت کنند تا جهان بهتر اخلاقی را طرح بریزند.

شاعر مان هم به این مبحث توجه داشته و مرتبه والایی را برای اخلاق در متون شعری خویش قایل شده است. به نسبت این که او و اسلافش مسوولیت مذهبی داشته اند به این سخن پی برده که میان دین و اخلاق پیوند محکم و نا گسستگی وجود دارد که از طریق آن ها می توان انسانها را به سوی ارتقای و تعالی سوق داد.

* استاد دانشکده ادبیات و علوم بشری

طرح مساله

یکی از آرمان‌هایی که ادبیات همیشه در تطبیق آن در جوامع می‌باشد، پدیده اخلاق است از طریق آن بتواند همان مدینه فاضله خویش را که در آن دوری از اعمال ذمیمه و رزیه و پیوستن به رفتار حمیده و ستوده است اعمار نماید. روی این اصل ادبیات همیشه موضوع اخلاق را از هر راه معقولی که حصول می‌شود، سر لوحه کلام خویش قرار می‌دهد. یکی از راه‌هایی که همیشه ادبیات را در پخش و نشر مضامین اخلاقی یاری می‌رساند اندرز است که وجدان انسان را از خواب آلودگی بر حذر می‌دارد و آن را متقاعد می‌سازد که به وسیله اخلاق در راحتی و آرامش بسر ببرد.

زمانی که ارستو شعرا از به جرم استفاده از تخییل و تقلید و دوری از تعقل از مدینه فاضله خویش راند، کسان دیگری چون افلاتون و سیدنی در آرای ارستو تعدیلاتی وضع کرده و برای شاعر جایگاه‌های خاصی قابل شدند که لایه یکی از آنها اخلاق است. هنگامی که هوراس برای شعر ویژگی لذت و سودمندی قایل می‌شود بر این باور است که لذت داشتن وابسته به کوشش بی‌غرضانه آفریننده است و سودمندی بر زیبا جلوه دادن مسایل ناپسند و ترغیب خواننده در بهتر شدن آن است و سیدنی شاعر را معلم اخلاق معرفی می‌کند و معتقد است که دروغ هم می‌تواند خوب باشد مشروط بر آن که منظور در آن تعلیم اصول اخلاقی باشد.

در اشعار روشن‌مانند سایر شعرای کلاسیک و معاصر زبان فارسی دری مضامین اخلاقی را در پهلوی موضوعات دیگری به وفور مشاهده کرد. هدف اصلی از این گونه مضامین هم فراهم کردن زمینیهی برای تحول روحی است که تا آلودگی‌ها و بیماری‌های نفسانی زوده و تجلی انوار الهی جای‌گزین شان گردد.

با وجود که روشن‌بریکی از مسند‌های ناصر خسرو قرار گرفته بود، می‌بایست، شکل و محتوای اشعارش مانند آن اشعار ناصر خسرو وسیله‌ی برای تبلیغ و ترویج افکار عقیده‌تی می‌بود ولی چنین عملی پایان‌تر از خواهش و تقاضای مریدان انجام یافته است؛ اما ترویج افکار اخلاقی را مانند او فراموش نکرده است. وی دانسته که شعر عالی‌ترین وسیله ابلاغ و ارزش آن بسته‌گی به آنچه ابلاغ می‌شود، دارد.

پیشینه تحقیق

هر دری را که راجع به این بحث کوبیدم نیافتم که کسی اشعار روشن‌را از دید اخلاقی به بررسی گرفته باشد، اما نوشته‌های دیگری در ارتباط به این بحث در دیوان دیگر شعرا صورت گرفته است که می‌توان به کتابی که تحت عنوان «نقدی و نظری بر گذشته فارسی از دیدگاه اخلاق اسلامی» نوشته آقای رزمجو است که او در این کتاب آثار ادبی گذشتگان را تحت نام تاریکی‌ها و روشنایی‌ها به بررسی گرفته و در زمینه نقد نظرهایی را بر اشعار شعرای متقدم داشته است. دکتر محمد حسین نیکدار اصل و همکارانش مقاله‌ی را در پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی تحت عنوان «اخلاق و مولفه‌های سنتی و معاصر آن در شعر نیما» به دست‌نشر سپرده‌اند به این باور اند که اخلاق در شعر نیما به معاصر کلاسیک تقسیم می‌شود.

سوال‌های تحقیق

1. نقش اشعار روشن‌در پخش و اشاعه اخلاق تا چه سرحدی است؟
2. هدف از کارگیری اخلاق در سخن روشن‌چیست؟
3. چقدر شاعر به ادعا‌های اخلاقی که در دیوان اشعارش بکار رفته‌اند پایبند بوده است؟

روش تحقیق

روش گرد آوری مطالب از نوع کتابخانه‌یی است و روش پژوهش توصیفی-تحلیلی می باشد. ابتدا منابع تهیه و موضوعاتی که مرتبط به بحث بوده مطالعه دقیق گردیده و فیش برداری شده اند، سپس موضوعات جمع شده تا در نظر داشت سلسله مراتب سخن دسته بندی گردیده انده نتایج آن در ختم کلام منعکس یافته است.

جنبه اخلاقی در دیوان روشن

ساحت اخلاق چنان وسیع است که آنچه در این متن برشمرده می شود، مانند گردی است در مقابل توفان؛ اما باید دانست که هرکس به نحوی از انحا باید به سهم خویش در رشد شگوفایی موضوعاتی اخلاقی ادای مسوولیت نماید. به قول غزالی حسن اخلاق در جامعه تنها با آموزش ها و امر و نهی پدید نمی آید، زیرا برای عادت دادن نفس به فضایل و پرورش آن اخلاق نیکو، کافی نیست که معلم به دیگری بگوید چنان کن و یا چنین کن. پرورش سودمند و نتیجه بخش نیازمند تربیت طولانی و مواظبت مستمر است. تربیت و پرورش نیکو زمانی سازنده است که پشتوانه آن الگو و نمونه خوب و نیکو باشد و مربی خود دارای آن پرورش باشد زیرا کسی که خود بد است در اطرافیان خویش اثر نیکو نمی گذارد. تاثیر نیکوی تربیت از کسی انتظار می رود که به علت حسن اخلاق و تربیت نیکو، چشمان مردم به وی دوخته شده و شیفته تربیت و اسیر شرافت و کرامت وی باشند. آن وقت از روی شیفته گی محض از اخلاق و صفات وی پیروی نموده و شاگردان مقدار زیادی از فضیلت اخلاقی کسب کند ضرورت دارد که بهره و سهم متبوع و معلمش از آن فضیلت بیشتر باشد تا از وی اقتباس کند و فراگیرد (غزالی، 1392: 27). در دیوان روشن به این موضوعات از دریچه اخلاق نگریسته شده است.

1. *فضایل ایمانی*: روشن از شاعران پرآوازه معاصر در ولسوالی شغنان است که شخصیت دینی و اخلاقی ایشان با دل بستن به عشق و محبت به خدا، پیغمبر خدا و اهل بیت عصمت و طهارت شکل گرفته است. ایشان بخش زیادی از اشعارش را به مدح ائمه اطهار و همچنین موضوعات و اندرزهای اخلاقی اختصاص داده اند که از ویژگیهای سبکی و فکری برجسته وی به شمار می آید. آموزه های اخلاقی موجود در اشعار او در بخش *فضایل ایمانی* موضوعات بسیاری را به خود اختصاص داده است. خداپرستی، *پاد مرگ* و روز قیامت از موضوعات مورد توجه شاعر در بخش *فضایل ایمانی* است که در کتب اشعار خویش آن را مطرح کرده.

نور ایمان به دل و شکر الهی به زبان	این همه لطف خداوند جهان ما را بس
بد گهر تازد اگر از اثر بد خواهی	نظر رحمت شاه دو جهان ما را بس
قاضی روز جزا مالک حشر و ارواح	شافع منقسم خلد جنان ما را بس (روشان، 1398: 99)

ناشر حکم الهی ای حبیب نوالمنن	وی لبیب حضرت حق بر ملا و بس مبین
کز تو رونق یافته فر فروغ جاودان	وز تو تابان گشته هر جا عالم دین متین
ای که اندر ملک دین سالار و سلطانی تراست	زان چنین دین مبین آمد حصار بس حصین

2. *بشردوستی*: روشن در کتاب *داغ لاله خویش* در بیان جلوه های صلح و آشتی، از تناسب و سازگاری اضداد موجود در عالم شروع کرده و به صلح و آشتی انسان ها با یکدیگر (چه مرد و چه زن) اشاره می کند. به باور روشن همه انسان ها روی زمین از یک پدری و مادری زاده شده اند و باهمدیگر در این نقطه وجه مشترک دارند و تفاوت جنسیتی شان هم به حکم حاکم مطلق است نه به خواست هر شخصی پس سزاوار است که همدیگر را مورد شفقت و مهربانی قرار دهند و حس بشردوستی باید در وجود تمام انسان ها پرورش یافته باشد.

رحمت خود کمالی است در طبیعت؛ زیرا فقدان آن انسان را به منزلت حیوان فرو می آورد و بزرگترین چیزی که در انسان وجود دارد یعنی عاطفه و احساس زنده، عشق و رافت را از آن می گیرد. بلکه در حیوان گاهی عواطف مبهمی می جوشد و به وسیله آن بر بچه هایش ترحم می کند؛ زیرا قساوت و سنگینی دل فطرت انسان را وارونه می کند و او را به منزلت و درجت چهارپایان سوق می دهد، بلکه او را به درجه جماداتی که چیزی را نمی فهمند و تکان نمی خورند فرود می آورد (غزالی، 1392: 349).

چه زن چه مرد بود جمله راست یک منوال حقوق نوع بشر از وراى ایمانى

اگر تو منكرشى سورت النساست مرا گواه عدل حق از سوره هاى قرآنى...

به آفرینش خود نیز اندكى بنگر بكن به درد تعصب دوا و درمانى

3. وحدت و اتحاد: اتحاد راه به سوى همه آرزو هاى نيك و ستوده هموار مى سازد و فضا را بروى خود كامهگى و خود خواهى تنگتر مى سازد. دو رنگى را به سوى يكرنگى، زهر را به شهد، جنگ به صلح اتحاد تبديل مى كند. پس هر رفتار، كردار و گفتارى كه در آن اخلاص و انسان دوستى نباشد خيلى خطرناك و زيان مند است، صفوف پيوسته را از هم مى پاشد و رشته همبستگى را ميگسلاند.

گاهی اختلاف بر اساس سلیقه ها، فهم ها و آرا در زندهگی انسان ها رخ میدهند و به قول غزالی اینها چیز هایی نیستند که نا آشنا باشند و طبیعی است ولیکن نباید سبب از هم گسیختهگی و دشمنی گردد و این اختلاف و دشمنی عوامل و انگیزه ها دیگری دارد.

اگر در اختلاف آرا و افكار، قصد حقيقت پژوهى در ميان باشد و صاحب نظران از قصد ستيزه جويى و غلبه و شهرت طلبى و رياست جويى و مال دوستى بدور باشند، اين نزاع ها كه تاريخ بشر سرشان از كدورتها و مصيبتها كرده اند پيش نمى آيد و به خوبى پايان مى پذيرد (غزالی، 1392: 305).

دانش و دين و خرد در اتحاد است اتحاد بررسى از نيك و بد در اتحاد است اتحاد

امر يزدان متن قرآن است در تاويل آن زين كلام مستند در اتحاد است اتحاد

دور افكندن ز قلب خويشتن آماج غم حاسدان را از حسد در اتحاد است اتحاد (روشان، 1398: 166)

4. ستايش علم و عمل: علم به عنوان فضيلت و صفتى شريف كه از جمله عوامل و وسايل رسانيدن آدمى به افق هاى دور است نگاه داراى منزلت و موجب بلندى مرتبه است كه به يكجا با عمل بوده باشد. شاعران راستين آينه زمان خويش اند و زمانى مورد احترام قرار مى گيرند كه داراى خلقى نيكو و اهل عمل باشند. بآنكه شعر بيشتر در حالات بيخودى سروده مى شود در برخى موارد آن را زبان انديشه خود شاعر هم خطاب كرد؛ ولى در اكثر موارد زبان شاعر زبان هويتى هر ملت در هر عصرى است و شاعران همان آرمان انسانى و نياز هاى اجتماعى را با زبان شعر بيان مى كنند و در صفحه تاريخ مى نگارندش.

عقل، علم و عمل سه سرمايه نفيس هستند كه انسان با کاربرد و بهره بردارى صحيح از آنها، راه تكامل و ارتقا معنوى و مادى خويش را هموار مى سازد. وسعادت دنيا و آخرتش را تامين مى كند (رزمجو، 1382: 301).

روشان بار ها به ستايش علم و عمل در ديوان خود پرداخته كه منظورش از اين عمل تاديب فرزندان وطن بوده كه تا از اين طريق پيام هاى اخلاقى خويش را آويزه گوش خوانندهگان بخصوص جوانان بسازد، كه عمر شان به غفلت و بى باورى به ارزش علم تلف نكنند. وى كه مشرب روحانيت دارد خوب مى داند كه در اسلام، دانش اندوزى توام با عمل، نوعى عبادت است.

دستگاه علم و عرفان را فراخوانيم ما تابع عصر و زمان علم و عرفانيم ما

در بسپط فكر جز علم و عمل نايد دگر از بساط نكته دانى خوب مى دانيم ما (روشان، 1398: 55)

... مراد جام بلورين به عارفان علم است به سالكان حقايق ايا اولوالالباب

غرض ز صنعت صانع سرشت انسانى ضميمه ايست به مصنوع همچو گوهر ناب

سرشت جسم اگر صورت هیولاییست به روح عقل بود پایدار هردو حجاب
مزین است به تزیین بقای انسانی بقای علم و هنرور به هر شمار و حساب
چو حد حکمت همانا که علم با عمل است حکیم حاکم حکمت بود به حد نصاب

5. توصیف شایسته‌گان: به قول حسین رزمجو ستایش از صاحبان فضیلت و معرفت در واقع بزرگداشت از مکارم اخلاقی و کرامت انسانی است، امری خداپسندانه و خردپذیر می باشد.

انسانیت مرهون مبارزات بزرگمردان مجاهد و فضیلت جویی است که در فراز و نشیب معبر پرماجرای تاریخ... استقامت کرده انواع رنج و محنت و آوارگی و اعیانا مرگ را به جان خریده اند(رزمجو، 1382: 280). به قول ناصرخسرو انسانان دانا کسی را مدح و ستایش می کنند که خداوند آن را بالای خلق به حیث رهبر برگزیده باشد. شاعر ما هم بر علاوه از این به این پیام حجت خراسان لیبیک گفته به مدح ممدوحی می پردازد که رهبر و رهنمایش و در امور دینی و دنیوی است و به او توسل می جوید، فرمانش را اطاعت می‌کند و خاندانش را مورد تعظیم و بزرگداشت، اعزاز و اکرام قرار می‌دهد؛ سایر افرادی که نفع شان به جامعه بخصوص در راستای علم و عمل می رسد را، نیز می ستاید، بدون آنکه خود برتری و یا خود شیفته‌گی در میان بوده باشد. این خود نشان دهنده حق دوستی و کمال طلبی روشن تواند بود.

وصف ذات تست محمود و محمد نام تو هادی حق نور مطلق رحمت اللعلمین
اسم پاکت بر زبان دارند همه کروبیان بعد اسم پاک ایزد عامه روی زمین
ساقی کوثر به اهل اتقیا بی ریب و شک شافع روز جزا یعنی شفیع المذنبین

جشن مولود امام ذات مولانا کریم الحسینی شاه دین، رونق فزا خوش آمدید
شمع تابان در وجود اشرفش تابیده است هست از اصل علی مرتضی خوش آمدید
نیز از نسل محمد آن شهنشاه عرب تاجدار و افتخار انبیا خوش آمدید

حکیمی که در غار یمگان نشسته توگویی که در کالبد جان نشسته
همی بر فزاید جمال خرد را به برج معانی است لمعان نشسته
فروزنده اختر فرازنده خاور که بر تارم چرخ کیوان نشسته
چنانچه گفته روشن در شخصیت های علمی، ادبی و فرهنگی را مورد ستایش تمجید قرار داده اما به نسبت جلوگیری از اطالت سخن به از ذکر نمونه کلام خودداری صورت گرفت.
6. صدق و راستی: صدق و راستی از صفات والای اخلاقی که در آموزه های دینی و ادبی بر آن تاکید های زیادی صورت گرفته است.

روشان در اشعار خویش بر راستی و راست کاری تاکید داشته ؛ چون او خوب میدانند که راست گویی یکی از فضیلت های اخلاقی است که نقش ارزنده‌یی در گفتار، کردار و پندار آدمی دارد. انسانها که بصورت دسته جمعی زندهگی میکنند چیزی که بقای زندهگی اجتماعی را تضمین می کند راستی و صداقت در میان افراد جامعه است.

راستان مر رستگاری را گل نورسته اند راستی و رسته‌گاران زان که از یک بسته اند
این سخن از من نباشد کز حقیقت فهم دار از بزرگان کهن آنان که دل ها بسته اند
راستی کن راستی کن راستی هریکی از راستکارانی به حق وابسته ان

از طریق راستی هرگز چو روشن سر مپیچ گرچه گل با خار در یک پیرهن بنشسته اند(روشان، 1398: 151)

7. ستم ستیزی: یکی از ویژهگی های بنیادین ملک داری و رعیت پروری، دادرزی و ستم ستیزی است. پادشاه و رعیت برگردن هم حق و حقوقی دارند که باید به طور تمام و کمال از هردو سوی رعایت شود، در غیر این صورت آبادانی مملکت روی به ویرانی می نهد و رشته امور از هم می‌گسلد(عباس زاده، 1391: 133).

روشان خیلی زیرکانه سردمداران زمان خویش را از دید پیاده ساختن عدل و انصاف در جامعه و آنهم جامعه که از دیده ها افتاده و به مثابه انگشت ششم شمرده می شوند و هر زمانی در باد فراموشی رها میگردند، مورد انتقاد قرار داده با تیغ بیان می گوید که اهل این دیار ها بخصوص جوانان ما حق دارند که با برگه ها تحصیلی خویش شامل خدمات دولتی گردند.

همانا از ولایت جمله برخوردار در تعدیل به ماهم گرچه آثاری از این نعمت نمایان است

به حیث قوم سرحد جمله دست اندر دعا باشند که یارب کی رسد روزی که ما را همچو ارمان است...

تاسف بار گردیده است بعد از دوره تحصیل بسی اولاد ما از رنج تحصیلش پشیمان است

یکی افتاده گر در ساحة آغوش آرامی جوان دیگری بیکار و محزون و پریشان است(روشان، 1398: 146)

8. قناعت: هرگاه گره مشکلات پیچیده شده و کور گردیده و تنگناهای پی در پی چون شب تاریک طولانی شدند، این تنها صبر و شکیبایی است که چراغ راه مسلمان و رهاننده او از کورمال رفتن و در شب تاریک حوادث گام برداشتن و هدایت و رهنمون نجات بخش از یاس و نومیده است(غزالی، 1392: 222).

یکی از عوامل مهم تاکید بر قناعت در اشعار روشن ویژه های شخصیتی مثبت و عزت بالای او است. زیرا او به آسان و راحتی به خود اجازه نمی دهد که با طمع پروری چشم به مال دیگران بدوزد. وی توصیه میکند که هرچه کرامت نفس انسان بیشتر باشد از او قناعت بیشتری خواهیم دید

برخی افراد از خود تهی بادیدن وضع زندهگی دیگران زود برانگیخته می شوند و به چشم و هم چشمی روی می آورند. در مقابل، افرادی هستند که بر انگیزتهگی آنها پایین است و به زودی از ناحیه دیگران تحریک نه میشوند فردی که همواری چشم به زرق و برق دیگران می دوزد، از حالت استغنا و بی نیازی دور می شود و همیشه حالت نیاز و کمبود را در خود نگه می دارد. روشن است که احساس کمبود، فرد را به زندهگی موجود خویش بی علاقه میکند و بدون توجه به ویژهگی های مثبت زندهگی خود، همواره حسرت زندهگی دیگران را می خورد(حسین زاده، 1398: 119).

فقر من فخر من و گوشه عزلت جاهام باتو ماه فلکم هیچ سرو کاری نیست

صاحب تاجم از گنج قناعت سرشار به گلستان حرم غیر توام خاری نیست(روشان، 1398: 132)

در حرص و آز غرق تمنا تویی تویی قانع به نیم قرص جوین نان منم منم

9. وطن دوستی: وطن پرستی از آن اخلاقیاتی است که در دنیای مدرنی که رابطه انسان ها با مرز های آهین نامرئی بیش از پیش محدود شده است، معنای اخلاقی واقعی تری به خود گرفته است. این وطن پرستی در درون خود، علاقه و حساسیت نسبت به سرنوشت و نحوه زندهگی مردمی که در آن وطن زندهگی می کنند را در بردارد(نیکدار اصل و دیگران، 1395: 210).

روشان در هیچ زمانی وطنش را ترک نگفته و در همه ناملایمات ناخواسته روزگار با سایرین رنج و محنت وطن را دیده و از حالت زار آن رنج برده است، قلبش به حال وطن ناله می کند، و آنچه در سرزمین مادری وی میگذرد تیرخندگی است که قلبش را افکار کرده و با عالمی از درد و رنج در قبال وطن می گوید:

وطن داغت به مرهم احتیاج است نه طفلت را هوای تخت و تاج است

همی باشند اندر چاره درد ترا چون دشمنت در احتیاج است

الا ای مادر آزرده پیکر چرا فرزند تو در احتیاج است

همه دارو ندار تو بسوزد به آتش همچو چوب خشک ساج است(روشان، 1398: 138)

نتیجه گیری

با گذر از محتوای شعری روشن هویدا می شود که: اشعار او چنان می نماید که شعرش در پهلوی این که زیبا است، جاذبه های اخلاق ستوده نیز در آن باعث بر انگیزتن احساسات خواننده خواهند شد.

موضوعاتی از نوع خداپرستی، توصیف شایسته گان ستایش، وطن دوستی، علم دوستی، عمل گرایی، ظلم ستیزی، حقوق بشر، ایثار و بخشندگی، صبر و شکیبایی و امثال آن از ویژه گی های اخلاقی دیوان روشن را تشکیل میدهند.

فهرست مآخذ

1. حسین زاده، علی. (1398). نقش قناعت در بهرهمندی از زنده گی. معرفت اخلاقی، سال اول. شماره 4.
2. خانلری، پرویز. (1377). فرهنگ اجتماع. توس: تهران.
3. رزمجو، حسین. (1382). نقد و نظری بر شعر گذشته. دانشگاه فردوسی: مشهد.
4. روشن، سید امان الدین. (1398) داغ لاله. انتشارات امیری: کابل.
5. عباس زاده، خداویردی و زهرا یوسف لو. (1391). داورزی و ستم ستیزی در سیاست نامه و قواعد السلاطین. بهارستان سخن. سال هشتم. ش. 20.
6. غزالی، محمد. (1392). اخلاق اسلامی. ترجمه: محمود ابراهیمی. نشر احسان: تهران.
7. نیکدار اصل، محمد حسین و دیگران. (1395). اخلاق و مولفه های سنتی و معاصر آن در شعر نیما. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی. ش. 33.